

یادداشت

چرا پیش نمی‌رویم؟

در وضعیت امروز ایران به نظر می‌رسد مهم‌ترین کار نظام حکمرانی برای گذار از ناکارآمدی‌ها و نابودی و اضمحلال منابع تکریم مقام و تأمین حقوق انسانی و شهروندی در این سرزمین کهن و شنیدن صدای اعتراض و انتقادها و حرکت در مسیر راه‌حلهایی است که مورد خواست اکثریت مردم و نه «منافع ویژه» ذی‌نفعان خاص است. ابزار تحقق این هدف، نه عُرضه یک فرد و گروه و مشت آهنین بلکه وجود نهادهای فراگیر و کارآمد است که فرصت‌های برابر را برای احاد جامعه فراهم می‌کنند و ابتدای آنها بر آزادی است.

یادی با بوی بهار

اخباری که در آن زمان از دلان‌های تنک ناآگاهی عمومی و اجتماعی با سلیقه خاص سیاسی و بی‌ا حروف کج و معوج بر صفحات روزنامه‌های آن عصر جلوی دکه‌ها برای عموم، صف‌آرایی می‌کرد و علاوه بر نیازمندی‌های روزمره، عطش نیاز به خبر را در اذهان کم و سرکشته آن زمان هر لحظه بیشتر می‌کرد.

در افواه سنتی پیشینان، اعتقاد بر این بود که فرزند از پدر و برادر بزرگ‌تر ادب و سنت و چه‌بسا شغل را به ارث می‌برد- امری که امروزه در بنیان لرزان خانواده‌ها بی‌رنگ است- و هر فرزندی ساز خود را کوک می‌کند و سراغ شغلی می‌رود که اقتضای زمانه خودش باشد.

خانه ما که من عضو نیمکت‌نشین درس ادب و اخلاق آموزگاری با اخلاق بودم، هر عصر، نثرخوان روزنامه و مجلات گوناگون خبری بود با تحلیل‌های روز و صاحب‌نظرانه‌ای که گاه با هم همراه بود و گاه با خواه، خواستنی که نه در خبر شفاف می‌گنجید و نه در شناخت از صاحب‌خبری!
که صاحبان خبر با کوله‌پشتی از دره‌هایمختگی نقل‌قول‌های بی‌پایه، هر عصر بار خبری خود را بر میز سردبیر تخلیه و به خورد خوانندگان تشنه و مشتاق، می‌دادند!

آن خانه، نه امروز صدای خش‌خش برگ و بیوی شاتوت می‌دهد و نه خش‌خش کاغذی که بر آن پیش‌درس آگاهی بود که امروز از طرفی شوربوختانه ناقوس برچی است با دکل‌هایی نه از نوع فروخته‌ه در اقیانوس رشوه و دزدان دریایی که برعکس هرچند نومید، اما فرازمند به دکل‌هایی با فرکانس آگاهی در دستان مردمان صاحب همراه هوشمند!

آن زمان نه کپی‌پیست بود و نه فوروارد و نه صدای دینگکی بر صفحه‌ای نورانی که به آنی خبر بر دیدگان بنشیند تا اخبار، قطار قطار بر ریل سیاست بلغزد و هرازچندگاهی متخرف شود و گاه با بار کج به مقصد برسد! چسب بود و چیچی و بریده‌ای که روی هم تلنبار می‌شد تا زمانی که نیاز به تحلیل خبر از میان گرد و خاک سرس بر می‌آورد و بر جزوات دانشگاهی، رسم‌المشق درسی با نظر استاد و ناظران می‌شد. خبر آن زمان هرچند بوی کهنگی نداشت و در ظرف زمان به آنی تخلیه نمی‌شد اما در کثرت لحظه‌ها، جامعه را لبریز نمی‌کرد و تا فردای آن روز در جام تشنه آگاهی نقش‌آفرینی می‌کرد و جامعه‌قانع آن دوران را سرباز از تشنگی اطلاعات، بر سرس هر چهارراهی خبر می‌فروختند تا با بهایی اندک، افزون و افسون از نوعی دانایی عاید کسانی شود که تنها در حیطه جغرافیایی خود سیر می‌کردند و از آن سوی دنیا بی‌خبر.

از خانه تا هر کجای محل کار چنان به کندی می‌گذشت که دریافت خبر بر بال شوق، هر کسی را به سمت منبعی هدایت می‌کرد تا از صحت آن آگاه شوند. از هیچ ذهن و خاطره‌ای بیرون نیست که روزنامه‌های دیواری هرچند پشت همان دیوار را اطلاع‌رسانی نمی‌کرد اما با ذوق و شوق مسیر زندگی روزانه را جهت می‌داد. روزنامه‌های آن زمان مملو از حوادث بود، حوادثی که از پس پرده سیاست، خبرش گاهی اتفاقی به بیرون درز می‌کرد و نفس‌هایی را به شماره می‌انداخت. تمام روزنامه‌های آن دوره با چوب نظارت سخت در غیاب شبکه‌های اجتماعی رایج امروز، ممیز سیاست بودند که تا به امروز هم کم و بیش ادامه دارند.

و تمام آن سال‌ها چه صادقانه بر لوح فکر و ذهن ما اخباری نقش می‌بست که کمتر پشتوانه جهانی مؤثر بر اقتصاد، سیاست و فرهنگ و اجتماع کوچک و محدود به دنیای بسته ما بود. اخبار آن زمان زاینده تفکری سنت‌گرا و هدایتگر بود و در پس آن آینده را نمی‌شد با دخالت هوش مصنوعی به دنیایی غیر قابل تصور گره زد که هر تصمیم سیاسی را بر چهارراه شک و تردید به توقف وارد.

خبر و خبررسانی در آن سالیان به‌منابه راکیی بود که با سسقله‌های بر گُرده اسب، پیام تاخت می‌داد اما با کنترل مه‌میز، مسیر را هدایت می‌کرد که مبدا از خط خارج نشود. با این همه روزها را در حالی می‌گذرانیدم که اطلاع‌رسانی به سبک امروز بیشتر در آن روزگار دهان به دهان به شکل انتقال داده‌های میدانی و خیابانی با فرونشست انگشتی بر دوایر صفحه‌ای گردان بر جعبه‌ای جادویی که هرازچندگاهی صدایی ضعیف را به گوش می‌رساند، به مخاطب مخابره می‌شد. خبر می‌رسید هرچند دیر، اما در بین راه مسیر را بر نمی‌انگیخت تا موی دماغ کسانی شود که امروز با هوشیاری جامعه، از هر کوششی در به بن‌بست کشاندن انواع منابع حقیقی و به ویژه مجازی خبر دریغ نکنند. و دست آخر اینکه خبر در آن زمان کیمیا بود و صاحب خبر اقیاقا.

تمام دیروز غرق در چنین خاطراتی گذشت و امروز که به خود آدمم و از آن زمان به یمن شبکه‌های اجتماعی، فاصله موضوعی با هر منبع سنتنی گرفته‌ام، بیست‌وسوم از دومین ماه بهار است که زادروز بار همیشگی و دیرین رسانه -کاظم معتمدنژاد- در سرزمین اخبار سرریز از هر سدی است و این مرا واداشت تا با یاد او بهاری متفاوت از آن بهاران را نفس بکشم.

دکتر سید علی حسینی

دکتر سید علی محمودی

"آزادی وجدان" بر بنیان ارزش ذاتی انسان

آزادی وجدان چیست؟

امکانات و موانع درونی و بیرونی آزادی وجدان کدام اند؟

چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۴۰۴ — ساعت: ۱۷:۰۰ الی ۱۹:۰۰

ضلع جنوبی بلوار میرداماد نرسیده به میدان مادر شماره ۱۲۶ طبقه ۴

<https://www.skyroom.Online/ch/iaie/general-speech>
<https://www.instagram.com/iaiengeeners>

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

۱۱۹ ۳۶ ۸۶۰

کشورهای عربی چگونه از کارت تجارت با ترامپ استفاده می‌کنند

دیپلماسی در سایه تجارت



انتقاد از تضاد منافع

ادغام مذاکرات سیاسی و معاملاتی که به نفع خانواده و مشاوران رئیس‌جمهور است، انتقاد دموکرات‌ها و گروه‌های حامی شفافیت دولت را به دلیل تضاد منافع برانگیخته است. کارولین لویت، سخنگوی کاخ سفید، این پیشنهاد که «برزیدنت ترامپ هر کاری را در ابتدا برای منافع شخصی خود انجام می‌دهد» مضحک خواند و گفت که او دوباره انتخاب شد زیرا آمریکایی‌ها اعتماد دارند که «او به نفع کشور ما عمل می‌کند».

در دوره اول ریاست‌جمهوری ترامپ، سازمان ترامپ، شرکت متعلق به ترامپ که توسط فرزندانش اداره می‌شود، متعهد شده بود که معاملات خارجی انجام ندهد. این بار، این تعهد را به معاملاتی که مستقیما با دولت‌های خارجی انجام می‌شود، محدود کرده است، برنامه اخلاقی رئیس‌جمهور ایجاب می‌کند که این شرکت هرگونه سودی که از آنچه «حمایت دولت خارجی» در هتل‌ها و مشاغل مشابه خود می‌نامد، به دست می‌آورد، همان‌طور که در دوره اول ریاست‌جمهوری‌اش انجام داد، به دولت ایالات متحده بدهد. دموکرات‌های کنگره از این پرداخت‌ها انتقاد کرده و آن را تنها بخش کوچکی از کل منافع مالی شرکت‌های او از دولت‌های خارجی دانسته‌اند.

مشخص نیست چه محدودیت‌هایی، در صورت وجود، برای معاملات شرکت «ورلد لیبرتی فایننشال» وجود دارد. این شرکت رمزاری که توکن‌های میم‌کوین ترامپ را فروخته است، توسط نهادی با مالکیت خانواده ترامپ کنترل می‌شود. اریک ترامپ عضو هیئت‌مدیره آن نهاد است. در وب‌سایت ورلد لیبرتی، در بخش «تیم ما»، رئیس‌جمهور به عنوان «مدافع ارشد رمزارز» آن توصیف شده است.

صندوق MGX که توسط شیخ طخون بن زاید آل نهیان، برادر رئیس امارات متحده عربی اداره می‌شود، از دو میلیارد دلار استیبل‌کوین جدید ورلد لیبرتی (که ارزش دلار آمریکا را دنبال می‌کند) برای سرمایه‌گذاری در صرافی رمزارز بایننس استفاده کرد. تا زمانی که این استیبل‌کوین‌ها در گردش باشند، می‌تواند به معنای ده‌ها میلیون دلار سود سالانه برای ورلد لیبرتی باشد، زیرا صادرکنندگان استیبل‌کوین معمولا پول خریداران را گرفته و آن را در اوراق خزانه یا سایر سرمایه‌گذاری‌ها قرار می‌دهند و از سود آن بهره‌مند می‌شوند، در حالی که دارندگان استیبل‌کوین معمولا سودی دریافت نمی‌کنند. سخنگوی ورلد لیبرتی گفت که این شرکت «یک شرکت خصوصی است، نه یک سازمان سیاسی» و «مقتضراست که سرمایه‌گذاری به پیچیدگی MGX» از استیبل‌کوین آن استفاده کند.

امارات؛ پیش‌از به معاملات مرتبط با ترامپ

در میان کشورهای خلیج فارس، امارات متحده عربی تعداد قابل توجهی از معاملات مرتبط با ترامپ را انجام داده است. اریک ترامپ اخیرا از سرعت بالای تأیید دولتی برای برج با برند ترامپ در دویبی تمجید کرد (به گفته او کمتر از یک ماه طول کشید). در حالی که صندوقی به مدیریت شیخ محمد بن راشد آل مکتوم، با همراهی قطر، ۱.۵ میلیارد دلار دیگر به صندوق سهام خصوصی کوشنر، «افینیتی پارتنرز» (Affinity Partners) تزریق کرد. خانواده ایلان ماسک نیز در این کشور تجارت کرده‌اند: یک وزارتخانه اماراتی در ماه مارس از همکاری چندساله با شرکت نمایش پهبادی نورانی برادرش، کیمبال ماسک، خبر داد. کوشنر گفته است که به سرمایه‌گذارانش گفته در صورت پیروزی ترامپ در انتخابات، نباید

انتظار چیزی در ازای آن داشته باشند. تا همین اواخر، سازمان ترامپ حضور کم‌رنگی در منطقه داشت که مهم‌ترین آن یک استراحتگاه کلف در دویبی بود. اما طی سال گذشته، شرکت توسعه‌دهنده خصوصی «دار گلوبال» (Dar Global) از برج‌هایی در دویبی و جدّه، استراحتگاه کلف در یک پروژه بزرگ‌تر متعلق به دولت قطر و یک هتل و مجموعه کلف دیگر در عمان (که میزبان مذاکرات هسته‌ای بین آمریکا و ایران است) خبر داد. پروژه‌های بیشتری نیز در راه است: اریک ترامپ گفته است که این شرکت در حال برنامه‌ریزی برای ساخت برجی در ریاض و احتمالا پروژه‌ای در ابوظبی است. اریک ترامپ ماه گذشته این پروژه را در رویدادی با حضور یک وزیر قطری و سایر مقامات شرکت توسعه‌دهنده دولتی «قطری دیار» (Qatari Diar) راه‌اندازی کرد. سخنگوی سازمان ترامپ گفت که توافق این شرکت در قطر با «دار گلوبال» بوده، نه «قطری دیار». یک مقام قطری گفت که توافق برای توسعه استراحتگاه کلف در ابتدا قبل از انتخاب ترامپ منعقد شده بود.

ابزار برای نفوذ؟

عربستان سعودی، امارات متحده عربی و قطر -همگی پادشاهی‌های موروثی که با درآمد‌های هنگفت نفت و گاز تأمین مالی می‌شوند- رویکرد منعطف‌تری نسبت به اختلاط دولت و تجارت دارند. رابرت موگینیکی، پژوهشگر مقیم در مؤسسه کشورهای عربی خلیج فارس، یک آندیشکده در واشنگتن، می‌گوید: «خط بین سیاست و تجارت بسیار مبهم است، بنابراین فعالیت‌ها، تعاملات و منافع هم‌پوشانی زیادی وجود دارد». آنچه اکنون متفاوت است، این است که به نظر می‌رسد چنین تضاد منافع بالقوه‌ای که شامل رئیس‌جمهور و نزدیکانش می‌شود، دیگر تکراری عمده‌ای در واشنگتن ایجاد نمی‌کند. موگینیکی می‌گوید: «برزیدنت ترامپ می‌تواند برای جادکردن معاملات سیاسی و دیپلماتیک خود از منافع تجاری، اقدامات بیشتری انجام دهد، اما به نظر نمی‌رسد فشار سیاسی لازم برای این کار وجود داشته باشد».

به گفته حسن الحسن، عضو ارشد مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک، کشورهای خلیج فارس از بازی با ترامپ برای به دست آوردن نفوذ سیاسی در واشنگتن خوشحال هستند، چه از طریق کمک به تقویت برنامه اقتصادی داخلی او یا تعهدات سرمایه‌گذاری در آمریکا و چه با توسل به دغدغه‌های تجاری خود رئیس‌جمهور. او می‌گوید: «آنها ابزارهای محدودی برای شکل‌دادن به دیدگاه‌ها و سیاست‌های رئیس‌جمهور درمورد موضوعاتی که برایشان بیشترین اهمیت را دارد، در اختیار دارند. بخشی از این جعبه ابزار به تأمین منافع تجاری شخصی و خانوادگی او مربوط می‌شود». مذاکرات پیشاپیش به ثمر نشسته است: وزارت خزانه‌داری روز پنجشنبه طرحی را برای تسهیل قوانین سرمایه‌گذاری ایالات متحده برای «منابع متحد و شریک» اعلام کرد؛ اقدامی که امارات مدت‌ها برای آن فشار آورده بود. ترامپ که در سال ۲۰۱۷ با انتخاب عربستان سعودی به‌عنوان مقصد اولین سفر خارجی خود به‌عنوان رئیس‌جمهور، سنت‌شکنی کرد، روابط نزدیکی با رهبران خلیج فارس حفظ کرده است. او در ماه سپتامبر با امیر حاکم قطر در مار-I-لاکو دیدار کرد و در ماه مارس میزبان شیخ طخون، مشاور امنیت ملی امارات در کاخ سفید بود. وزیر دفاع عربستان سعودی، برادر ولیعهد، نیز در ماه فوریه از پتانگون بازدید کرد.

گزارش

زیرساخت‌های علمی ۲ نهاد راستی آزمایی شود

از تمام دستگاه‌های اجرایی دعوت کرده‌ایم و آنها نیز شرکت کرده‌اند. همکاران سازمان حفاظت محیط زیست، وزارت بهداشت، وزارت امور خارجه، انجمن‌های مردم‌نهاد و دیگر نهادها در این کارگروه‌ها حضور داشته‌اند. مؤسسات تحقیقاتی در سازمان حفاظت محیط زیست ایجاد شده‌اند و بانک‌های ژن متعددی در این سازمان تأسیس شده است».

او ادامه می‌دهد: «نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که زمانی که بیش از ۷۰۰ نفر از متخصصان برجسته کشور از بیش از ۲۵ دانشگاه و مراکز تحقیقاتی وزارت جهاد کشاورزی به‌طور مکتوب اعتراض خود را به جابه‌جایی مرجعیت از وزارت جهاد کشاورزی به سازمان حفاظت محیط زیست اعلام کرده و از رئیس‌جمهور درخواست می‌کنند که از این تغییر جلوگیری کند، این اقدام به‌وضوح نشان‌دهنده اهمیت و دقت نظر در این مسئله است. چنین نامه‌ای به‌طور قطعی از نظر کارشناسی قابل تردید نیست. تمامی این اقدامات در حالی انجام شده که برخی تصمیمات در کمیسیون‌های تخصصی با لابی‌گری صورت گرفته و متأسفانه جلسات تارکشناسی به‌طورکامل انجام نشده است. در این فرایند، متأسفانه رای سازمان‌های غیرمتخصص تأثیرگذار بوده است».

معاون پژوهش و فناوری سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی همچنین تأکید می‌کند: «در کلیت ماجرا باید گفت که هدف از ایجاد کنوانسیون تنوع زیستی در واقع میحث توسعه پایدار بوده است و امروز تولید و توسعه بدون لحاظ‌کردن مباحث اقلیمی و گرمایش زمین در جهان معنی ندارد؛ بنابراین وقتی وزارت کشاورزی از ابتدا وبدون نگرش جزیره‌ای با هدف حفظ منابع آب و خاک و اقلیم، سازمان‌های تحقیقاتی ایجاد کرده است، چرا باید مرجعیت این کنوانسیون را از دست بدهد و به سازمانی بسپرد که اساسا ماهیتی اجرایی و بهره‌بردار ندارد و باید نهاد ناظر باشد؟».

جنگ تعرفه یا جنگ روابط عمومی؟

روابط عمومی بین‌المللی در دوران تنش‌های اقتصادی
تعرفه‌ها دیگر فقط اعداد و درصدهای در سیاست‌های اقتصادی نیستند؛ آنها به بخشی از بازی ارتباطی و بردندیک بین‌المللی کشورها تبدیل شده‌اند. در چنین شرایطی، کشورها نیاز دارند تا تیم‌های روابط عمومی بین‌المللی قدرتمند، استراتژی رسانه‌ای، کمپین‌های هوشمند و حضور مؤثر در پلتفرم‌های دیجیتال داشته باشند. دولت ترامپ با وجود آشفنگی‌های درونی، نشان داد که استفاده از پیام‌رسانی مستقیم و تکرار کلیه‌اواژه‌ها می‌تواند در کوتاه‌مدت موفقیت‌هایی در تغییر افکار عمومی ایجاد کند؛ اما در درازمدت، عدم انسجام و نبود پشتوانه نظری ممکن است اثرات منفی به‌بار آورد.

جنگ تعرفه‌ای ترامپ علیه چین نمونه‌ای شاخص از هم‌پوشانی اقتصاد، سیاست و ارتباطات در دوران معاصر است. این جنگ فقط نبردی بر سر نرخ‌های گمرکی نبود، بلکه تلاشی برای بازتعریف هویت ملی، دشمن‌سازی ارتباطی و بازآفرینی تصویر بین‌المللی آمریکا به‌حساب می‌آمد. روابط عمومی در این میان نه به عنوان یک ابزار جانبی، بلکه به عنوان یک میدان اصلی جنگ عمل کرد.

در آینده نیز هر تصمیم اقتصادی بزرگ، خواه‌ناخواه، به یک تصمیم ارتباطی و تصویری نیز تبدیل خواهد شد. اینجاست که روابط عمومی بین‌المللی باید به عنوان یک ابزار راهبردی در سیاست‌گذاری کلان کشورها در نظر گرفته شود؛ چراکه برند ملی، دیگر فقط با صادرات کالا یا رشد اقتصادی ساخته نمی‌شود، بلکه با چگونگی ارتباط‌سازی، روایت‌گری و مدیریت ادراک عمومی جهانی شکل می‌گیرد.